

پیش‌بینی پرخاشگری پنهان ارتباطی (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی) براساس سبک‌های دلبستگی در زنان متأهل شهر بیرجند: نقش میانجی احساس شرم و گناه سمانه خزاعی*، شکوه نوابی نژاد**، ولی‌الله فرزاد*** و کیانوش زهراکار****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی عاطفه خودآگاه (احساس شرم و گناه) زنان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری پنهان ارتباطی آن‌ها، انجام شده است. مطالعه حاضر یک تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش را زنان متأهل شهر بیرجند تشکیل دادند. حجم نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۵۰ زن متأهل بود. روش نمونه‌گیری از نوع در دسترس و ابزار گردآوری اطلاعات شغل پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کالینز و رید (۱۹۹۰)، مقیاس عاطفه خودآگاه (احساس شرم و گناه)، تلنجی، واگنر و گومز (۱۹۸۹) و پرسشنامه پرخاشگری پنهان ارتباطی نلسون و کارول (۲۰۰۶)، بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل روش‌های آماری از همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین متغیرهای پژوهش رابطه معناداری وجود دارد ($P \leq 0/01$). بررسی مدل مفهومی پژوهش نشان داد که احساس شرم در رابطه سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی با سازه کناره‌گیری عاطفی و احساس شرم به همراه احساس گناه در رابطه سبک‌های دلبستگی با خراب کردن وجهه اجتماعی نقش میانجی معناداری دارند ($P \leq 0/01$). به‌طورکلی نتایج نشان داد که رابطه سبک‌های دلبستگی با پرخاشگری پنهان ارتباطی در زنان، با میانجی‌گری احساس شرم و گناه باشد. این نتیجه درباره رابطه سبک‌های دلبستگی با خراب کردن وجهه اجتماعی بیشتر نمود داشت.

واژگان کلیدی

احساس شرم و گناه؛ سبک‌های دلبستگی؛ کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی

*نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران sam_tmu@yahoo.com

**استاد تمام دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

***استاد تمام دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

****استادیار دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۴/۱۳

DOI: 10.22051/jwfs.2017.10650.1176

مقدمه و بیان مسأله

سنگ بنای خانواده، ازدواج است و ازدواج نیازمند همکاری، همدلی، وحدت، علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت‌پذیری است (کوکلاوند و حسن‌وند^۱، ۲۰۱۵). یکی از جنبه‌های حیاتی یک سیستم زناشویی، رضایتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می‌کنند، که دارای بیشترین تأثیر در انسجام و ثبات خانوادگی است (ثانی‌گوچی، فریمن، تیلور و ملکارن^۲، ۲۰۰۶؛ گنجی و نوایی‌نژاد^۳، ۲۰۱۲). در نتیجه یکی از اهداف اصلی پژوهش‌ها درباره روابط بین زوجین، مشخص کردن عواملی است که بر کیفیت تعاملات بین زوجین تأثیر می‌گذارد (چارنیا و آیکس^۴، ۲۰۰۷).

پژوهش‌های مختلفی نشان داده‌است که خشونت و پرخاشگری از جمله عواملی است که کیفیت تعاملی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رنشاو، بلایس و اسمیت^۵، ۲۰۱۰؛ کارتیس، اپستین، ویلر^۶، ۲۰۱۵؛ خانجانی و ظفر قلی‌زاده، ۱۳۸۸؛ تفرشی، امیری مجد و جعفری، ۱۳۹۲). پرخاشگری فیزیکی^۷، شکلی از خشونت خانگی در خانواده است که توجه عمده‌ای از مطالعات زناشویی و خانواده را به دلیل ماهیت شدید و تأثیر منفی روانی و اقتصادی زیادی که بر جامعه دارد، به خود اختصاص داده است (چانگ و چویی^۸، ۲۰۱۴). بجورکووست، اوسترمان و لاجرسچیتز^۹ (۱۹۹۴)، معتقد هستند که «پرخاشگری فیزیکی مستقیم، تنها نشان‌دهنده نوک کوه یخ از پرخاشگری فردی است» (به نقل از مادنسن^{۱۰}، ۲۰۱۲). محققان نشان داده‌اند که رفتار پرخاشگرانه پنهان ارتباطی، به عنوان عاملی مؤثر بر بی‌ثباتی ازدواج، تأثیر شایان توجهی دارد (گلدستین، چسیر تران و مک‌فال^{۱۱}، ۲۰۰۸؛ کارول، نلسون، یورگاسون، هارپر، اشتون،

1. Kokolvand & Hasanvand
2. Taniguchi, Freeman, Taylor & Malcarne
3. Ganji & Navabinezhad.
4. Charania & Ickes.
5. Renshaw, Blais & Smith
6. Curtis, Epstein & Wheeler
7. Physical aggression
8. Chung & Choi
9. Bjorkqvist, Osterman & Lagerspetz.
10. Madsen
11. Goldstein, Chesir-Teran & McFaul

جنسن^۱، ۲۰۱۰). پرخاشگری ارتباطی به تلاش برای آسیب رساندن به همسر از طریق اعمال نفوذ هدفمند و صدمه زدن به رابطه اطلاق می‌شود (کریک و گروتپیتر^۲، ۱۹۹۵، به نقل از کرامر^۳، ۲۰۱۵). پرخاشگری ارتباطی پنهان، می‌تواند به دو شکل در روابط عاشقانه بین زوجین برقرار شود؛ یکی به صورت خودداری از محبت و وزیدن و صمیمیت جنسی که کناره‌گیری عاطفی^۴ نامیده می‌شود (کلیفورد^۵، ۲۰۱۳)، یا به صورت خراب کردن وجه اجتماعی^۶ از طریق بدگویی، شایعه‌پراکنی، در میان گذاشتن اطلاعات خصوصی همسر با دیگران یا فراهم کردن امکان دخالت دیگران در جریان بحث‌ها و مشاجرات، خود را نشان دهد (کارول و همکاران، ۲۰۱۰). به نظر صاحب‌نظران، اغلب مشکلات ارتباطی بین زوجین می‌تواند به پرخاشگری پنهان بین زوج‌ها منتهی شود (فرانکل، آممورا، جیکوبویتس و هازان^۷، ۲۰۱۵)، نتایج مطالعه هیمن و اسلپ^۸ (۲۰۰۲) حاکی از این بود که زنانی که از خشونت پنهان رنج برده‌اند، در مقایسه با زنانی که پرخاشگری پنهان را تجربه نکرده‌اند، در معرض خطر بیشتری برای قربانی شدن و سایر آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

روشی که فرد از نظر هیجانی به وقایع پاسخ می‌دهد به شدت می‌تواند تحت تأثیر تجربه‌های دلبستگی قرار گیرد (شیور و میکولینسر^۹، ۲۰۰۲؛ رتپ^{۱۰}، ۲۰۱۳؛ دومانس، پیرسون، الجین و مک‌کینلی^{۱۱}، ۲۰۰۸؛ بلنجر، متیو، دوگال و کورچنس^{۱۲}، ۲۰۱۵). فوگل^{۱۳} (۲۰۰۰) اظهار می‌کند که دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است. به‌طوری که یکی از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی و مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ و به‌گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود

1. Carroll, Nelson, Yorgason, Harper, Ashton & Jensen
2. Crick & Grotpeter
3. Cramer
4. Love Withdrawal
5. Clifford
6. Social Sabotage
7. Frankel, Umemura, Jacobvitz & Hazen
8. Heyman & Slep
9. Shaver & Mikulincer
10. Ratip
11. Doumas, Pearson, Elgin & McKinley
12. Bélanger, Mathieu, Dugal & Courchesne
13. Fogel

که ارتباط ادامه می‌یابد. به عبارتی دیگر، دلبستگی، پیوند عاطفی است که بین نوزاد و مادر پدید آمده و در طی زمان دارای ثبات است (به نقل از کویجادا^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). چانگ و چویی (۲۰۱۴) معتقدند که سبک‌های دلبستگی به تعاملات افراد در ازدواج، به دوران بزرگسالی منتقل می‌شود و بر شیوه برقراری ارتباط افراد در آینده با همسران خود به عنوان یک بزرگسال تأثیر می‌گذارد.

در بزرگسالی سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا مشخص شده است (فینی^۲، ۲۰۰۳، به نقل از امانی و همکاران، ۱۳۹۰). بالبی معتقد بود، رابطه نایمن علت ایجاد بی‌اعتمادی، مشکل در هماهنگی، حساس بودن و نارضایتی هیجانی در روابط عاشقانه است (سریواستاو و بیر^۳، ۲۰۰۵). شواهد و پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از آن است که بین سبک دلبستگی با خشونت خانوادگی (لی، ریس و ویر و کان^۴، ۲۰۱۳)، اضطراب و افسردگی (کید^۵ و همکاران، ۲۰۱۶)، مشکلات عاطفی (توبه شیف^۶ و همکاران، ۲۰۱۵) و شناختی (بلالوک، فرانزس، ماچل و استرومان^۷، ۲۰۱۵) و در نهایت سلامت روان (زائو^۸ و همکاران، ۲۰۱۵؛ منگ، دی آرکی و آدامز^۹، ۲۰۱۵) رابطه وجود دارد.

یافته‌های مختلفی رابطه سبک‌های دلبستگی و ارتکاب به خشونت و پرخشگری را بررسی کرده‌اند (هندرسون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۵؛ بوک والا^{۱۱}، ۲۰۰۲؛ اوکا، ساندبرگ، بردفورد، براون^{۱۲}، ۲۰۱۴) که غالب آن‌ها حاکی از ارتباط بین نایمنی در دلبستگی و روی آوردن به انواع پرخشگری بوده است. به‌طور کلی، دلبستگی ایمن مربوط به عواطف مثبت است، درحالی‌که

1. Quijada, Kwopil, Tizón, Sheinbaum & Barrantes-Vidal

2. Feeney

3. Srivastava & Beer

4. Lee, Reese-Weber & Kahn

5. Kidd

6. Taube-Schiff

7. Blalock, Franzese, Machell & Strauman

8. Zhao

9. Meng, D'Arcy & Adams

10. Hendrson

11. Bookwala

12. Oka, Sandberg, Bradford & Brown

دلبستگی نایمن با عواطف منفی مرتبط است. افراد با سبک دلبستگی ایمن نسبت به افراد ناامن، کمتر در معرض افسردگی، خشم و خصومت هستند (میکولینسر و اورباچ^۱، ۱۹۹۵؛ به نقل از اکباگ و ایموگلو^۲، ۲۰۱۰)؛ مانند سایر عواطف منفی، شرم و گناه نیز ممکن است از روابط اولیه به وجود آیند (لری^۳، ۲۰۱۵) و بر طبق نظر جانگ^۴ (۲۰۰۵) شرم و گناه، عواملی خطر ساز و بالقوه برای استفاده از پرخاشگری در روابط صمیمانه محسوب می‌شوند.

شرم از احساسات منفی و افسرده کننده مانند ناامیدی و اجتناب از بودن در کنار دیگران به دلیل ترس از طرد شدن است (الینگسن، جانسن، تجوتا و تورسویک^۵، ۲۰۱۰). و به عنوان یک تجربه درونی، این احساس را در فرد ایجاد می‌کند که به خاطر وقوع یک رویداد یا مجموعه‌ای از رویدادها، آدم بدی است و احساس منفی درباره خود پیدا می‌کند (کاورت^۶، ۲۰۰۴). در حالی که احساس گناه، احساسی منفی است که آکنده از پشیمانی و احساس مسئولیت نسبت به اشتباه است نه نسبت به خود شخص (هارپر^۷، ۲۰۱۱). به اعتقاد تانجنی و دیرینگ^۸ (۲۰۰۳) این هیجان‌ها بسیار به هم شبیه هستند، اما در زمینه ویژگی‌های خاص از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ شرم مستلزم ارزیابی‌های منفی از خود است، در حالی که گناه ارزیابی منفی رفتار فرد توسط خود او است. مردم احساس بی‌ارزشی را با شرم و احساس تنش، پشیمانی و ندامت را با گناه تجربه می‌کنند. به علاوه، افرادی که شرم را احساس می‌کنند، نگران ارزیابی شدن توسط دیگران هستند، در حالی که اشخاصی که گناه را تجربه می‌کنند، نگران اثراتی هستند که بر دیگران دارند. در نهایت، میل به مخفی شدن و فرار کردن با شرم و تمایل به معذرت‌خواهی و اعتراف، با گناه همراه هستند.

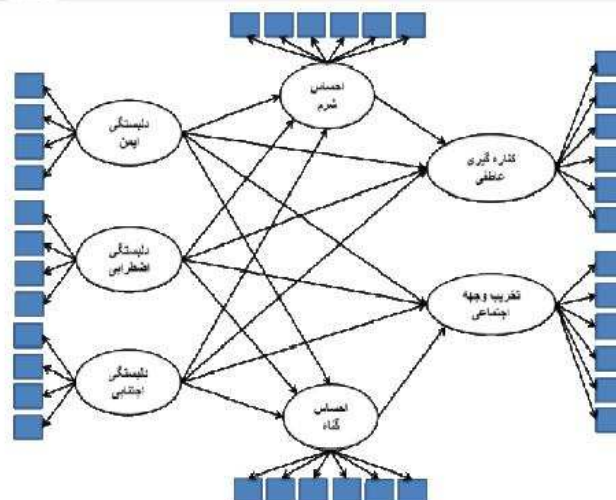
شرم و گناه همچون سبک دلبستگی، الگوهای درونی هستند که تحت تأثیر جو خانواده اصلی فرد قرار می‌گیرند و اغلب در نتیجه سوء رفتار در دوران کودکی ایجاد می‌شوند (هارپر،

1. Mikulincer & Orbach
2. Akbag & Imamoglu
3. Leary
4. Jong
5. Ellingsen, Johannesson, Tjøtta & Torsvik
6. Covert
7. Harper
8. Tangney & Dearing

(۲۰۱۱). تحقیقات تأیید کردند که احساس شرم و گناه در افراد دارای سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی بالاتر است (کانس‌دین و ماگای^۱، ۲۰۰۳). گروس و هانسن^۲ (۲۰۰۰) نشان دادند که سبک دلبستگی اشخاص، نقش مهم و منحصر به فردی در آمادگی برای شرم ایفا می‌کند. در پژوهشی دیگر، توماس تولیتینو^۳ (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که تجربه سوءاستفاده در دوران کودکی با احتمال بیشتر، سبک دلبستگی ناایمن و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی، با سطوح بالاتر شرم همراه هستند. موریس^۴ و همکاران (۲۰۱۴) نیز دریافتند که افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، سطوح بالاتری از شرم و انواع ناسازگارانه گناه را نشان دادند. در مطالعه‌ای مشابه، کلیفورد (۲۰۱۳) نشان داد که شرم به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده می‌تواند در رابطه بین سبک دلبستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان، نقش داشته باشد.

به‌طورکلی با توجه به مبانی نظری، شرم و گناه در رابطه بین سبک دلبستگی و پرخاشگری در روابط زناشویی به دو صورت میانجی می‌شود؛ نخست، شرم و گناه می‌تواند تمایل به مخفی کردن کاستی‌های فرد را افزایش دهد که در این صورت، احتمال کاربرد راهبردهای مستقیم حل تعارض را کاهش می‌دهد. دوم، شرم می‌تواند هیجان‌های منفی و تمایل به تنبیه کردن همسر را افزایش دهد که هر دو با هم شرایطی را فراهم می‌کنند که حل تعارض سازنده را دشوار سازند؛ لذا براساس پیشینه پژوهشی و مبانی نظری، هدف پژوهش حاضر بررسی اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر پرخاشگری ارتباطی پنهان زنان متأهل و نیز بررسی نقش میانجی دو متغیر شرم و گناه در این رابطه است. طرح شماتیک نظری پیشنهادی مطالعه شده، در نمودار ۱ به تصویر کشیده شده است.

-
1. Consedine & Magai
 2. Gross & Hansen
 3. Tomas-Tolentino
 4. Muris



نمودار ۱: الگوی پیشنهادی پژوهش

روش پژوهش

مطالعه حاضر یک تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری است که در آن به بررسی نقش میانجی عاطفه خودآگاه (احساس شرم و گناه) در رابطه سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان، پرداخته شده است. جامعه آماری این پژوهش را زنان متأهل شهر بیرجند تشکیل دادند. حجم نمونه براساس حداقل‌های لازم برای مدل معادلات ساختاری تعیین شد. هر^۱ (۲۰۰۹) بیان داشت که حداقل حجم نمونه برای مدل‌هایی که با ۷ سازه طراحی شده باشد، ۳۰۰ نفر است. با توجه به اینکه مدل مفهومی پژوهش حاضر، مدلی زوجی است، لذا ۳۵۰ زن متأهل حجم نمونه پژوهش حاضر را تشکیل دادند که در آن حداقل حجم نمونه لازم برای مدل معادلات ساختاری رعایت شده است. روش نمونه‌گیری از نوع در دسترس بود. لازم به ذکر است که نمونه پژوهش حاضر از بین مادران کودکان دبستانی شهر بیرجند، انتخاب شدند.

بعد از تعیین و انتخاب حجم نمونه، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کالینز و رید^۲ (۱۹۹۰)،

1. Hair

2. Collins & Read

مقیاس عاطفه خودآگاه (احساس شرم و گناه) تانجی، واگنر و گومز^۱ (۱۹۸۹) و پرسشنامه پرخاشگری ارتباطی پنهان، نلسون و کارول (۲۰۰۶) به نمونه انتخابی تحویل و تکمیل گردید. لازم به ذکر است که پرسشنامه پرخاشگری ارتباطی پنهان، توسط همسران نمونه پژوهش درباره آن‌ها تکمیل شد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار Amos ۲۳ و Spss ۲۳ استفاده شد. با توجه به اینکه نمرات ۳۰ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر پرت تشخیص داده شد و به علت اینکه داده‌های پرت بر برازش مدل، تأثیر منفی می‌گذارد، لذا از جریان تحلیل حذف گردیدند و بنابراین، حجم نمونه نهایی در پژوهش حاضر شامل ۳۲۰ نفر شد. در پژوهش حاضر به منظور تجزیه و تحلیل روش‌های آماری از مدل معادلات ساختاری استفاده شد که در آن سبک‌های دلبستگی، احساس شرم و گناه و همچنین کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی به عنوان متغیرهای مکنون در نظر گرفته شده است و سؤالات دارای بار عاملی بالا به عنوان معرف آن‌ها (متغیرهای اندازه‌گیری شده) لحاظ شدند.

ابزارهای استفاده شده در پژوهش عبارت بودند از:

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (RAAS): مقیاس دلبستگی بزرگسالان ابتدا در سال ۱۹۹۰، به وسیله کالینز و رید تهیه و در سال ۱۹۹۶، بازنگری شده است. سه سبک دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی و اضطرابی را برحسب ۱۸ ماده در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای می‌سنجد. به هر یک از زیر مقیاس‌ها ۶ عبارت اختصاص یافته است. نمره‌گذاری پرسشنامه براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافق، موافق، تقریباً مخالف، مخالف و کاملاً مخالف براساس (۰، ۱، ۲، ۳، ۴) امتیازبندی می‌شوند. ضریب پایایی این آزمون برای هریک از سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است. کالینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان پایایی به دست آمده، بالا است. در ایران، نیز برای بررسی میزان پایایی این پرسشنامه، روش آزمون - باز آزمون به صورت

1. Tangney, Wagner, Gomez

همبستگی بین دو اجرا روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی انجام شد، نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیان‌کننده آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها A، D، C در RAAS معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۰/۰۵ قابل اعتماد است (پاکدامن، ۱۳۸۰). لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر به منظور بررسی هر چه دقیق‌تر مدل مفهومی ارائه‌شده، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، از هرکدام از سبک‌های دلبستگی، ۴ سؤال که دارای بار عاملی بالایی بودند انتخاب و سپس تحلیل تأییدی آن بررسی شده است. نتایج حاصل از برازش مناسب عامل‌ها با سؤالات انتخابی بود. در مدل مفهومی پژوهش حاضر، سؤالات انتخابی به عنوان معرف (متغیرهای اندازه‌گیری شده) سبک‌های دلبستگی لحاظ شدند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ سبک‌های دلبستگی به ترتیب برای ایمن (۰/۹۲)، اضطرابی (۰/۸۵) و اجتنابی (۰/۸۶) به دست آمد.

پرسشنامه عاطفه خودآگاه (2-TOSCA): تانجی، واگنر و گومز این آزمون را در سال ۱۹۸۹، ساختند. در پژوهش حاضر، سؤالات خرده مقیاس‌های صفت شرم و گناه، احساس شرم و گناه زوجها را بررسی کرده است. این پرسشنامه خودسنجی ۱۶ وضعیت زندگی روزمره را به آزمودنی ارائه می‌کند که ۱۱ وضعیت آن از نظر اجتماعی دارای ارزش مثبت و ۵ وضعیت آن دارای ارزش منفی است. تمام سؤالات به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. آزمودنی پاسخ‌های خود را به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای رتبه می‌دهد که دامنه آن‌ها از ۱ به معنی «احتمال ندارد یا هرگز» تا ۵ به معنی «به احتمال زیاد» است. در پژوهش فرگوسن، ایری و اشباکر^۱ (۲۰۰۰) که روی ۱۳۲ دانشجوی مقطع کارشناسی انجام شد، ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس شرم ۰/۸۱ و برای احساس گناه ۰/۷۸ گزارش شده است. تانجی و همکاران (۱۹۹۲)، روایی سازه دو مقیاس شرم و گناه را در حد مناسب گزارش کردند؛ همچنین آن‌ها در سال (۲۰۰۲)، اظهار می‌دارند که پایایی این آزمون روی سه نمونه دانشجویی مختلف، حاکی از آن است که آلفای کرونباخ خرده مقیاس مستعد بودن به صفت شرم ۰/۷۶ تا ۰/۸۸ و خرده مقیاس مستعد بودن به صفت گناه ۰/۷ تا ۰/۸۳، است (تانجی و همکاران، ۲۰۰۲). پایایی و اعتبار این آزمون در ایران توسط انوشه‌ای، پورشهریاری و ثنایی (۱۳۸۵) بررسی شد. نتایج

1. Ferguson, Eyre & Ashbaker

حاصل از بازآزمایی این آزمون پس از چهار هفته روی دانشجویان مورد مطالعه، برای مقیاس‌های احساس شرم و احساس گناه به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۰ به دست آمد (انوشه‌ای، پورشهریاری و ثنایی، ۱۳۸۵). در پژوهش زارعی، فرحبخش و اسماعیلی (۱۳۹۰) نیز ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های شرم و گناه به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۷۵ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های احساس شرم و احساس گناه به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۸۲ به دست آمد. لازم به ذکر است که در این پژوهش برای هر کدام از متغیرهای احساس شرم و گناه، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، ۶ سؤال که دارای بار عاملی بالایی بودند، انتخاب و بعد از تأیید آن در تحلیل عاملی تأییدی، در مدل مفهومی ارائه شده به عنوان معرف احساس شرم و گناه قرار داده شد.

مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان نلسون و کارول (CRAVIS) (۲۰۰۶): این مقیاس به منظور سنجش کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی در روابط زوجین ساخته شده است. این مقیاس نسخه اصلاح شده‌ای از پرسشنامه خودگزارشی پرخاشگری و قربانی^۱ (SRAV) مورالس و کریک^۲ (۱۹۹۸) و مقیاس روابط عاشقانه جوانان لندر^۳، کریک و کالینز (۲۰۰۲) است. مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان، دارای ۱۲ سؤال (هر زیرمقیاس دارای ۶ گویه) است. خرده مقیاس کناره‌گیری عاطفی شامل ۵ سؤالات ۱ تا ۶ و خرده مقیاس خراب کردن وجهه اجتماعی شامل ۷ سؤالات ۱۲ تا ۱۸ است. این مقیاس به روش لیکرت برحسب پاسخ‌های ۱ تا ۷ درجه‌ای (از خیلی کم= ۱ تا خیلی زیاد= ۷) نمره‌گذاری شده است. کارول و همکاران (۲۰۱۰) ضریب آلفای کرونباخ نمرات کناره‌گیری عاطفی را برای شوهران (۰/۹۰) و برای همسران آنها (۰/۸۶) و همچنین آلفای کرونباخ خراب کردن وجهه اجتماعی را برای شوهران (۰/۸۸) و برای همسران آنها (۰/۹۰) گزارش کردند. منگ^۴ (۲۰۱۳)، نیز نتایج مشابهی را برای اعتباریابی مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان گزارش کرد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی این پژوهش نیز روایی سازه نسخه اصلی پرسشنامه را نشان داده است. همچنین در پژوهش

1. Self-Report of Aggression and Victimization
2. Morals & Crick
3. Linder
4. Meng

منگ (۲۰۱۳) ضریب آلفای کرونباخ برای خراب کردن وجهه اجتماعی و کناره‌گیری عاطفی به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۶ در مردان و ۰/۸۸ و ۰/۹۰ در زنان گزارش شده است. کرامر (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود ضریب آلفای کرونباخ را برای خراب کردن کناره‌گیری عاطفی وجهه اجتماعی به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۹ در مردان و ۰/۸۲ و ۰/۸۴ در زنان گزارش کرد. در پژوهش حاضر، نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی که روی پرسشنامه پرخاشگری ارتباطی پنهان انجام شد، نشان داد که مدل دوعاملی مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان، به‌خوبی با داده‌ها برازش دارد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۵)، اعتبار همگرا (۰/۴۷)، اعتبار واگرا (۰/۴۲-) به‌دست آمد که همگی در سطح $P \leq 0/01$ معنادار بودند.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۲۰ زن متأهل شرکت‌کننده در پژوهش حاضر که دارای سطح تحصیلات دیپلم به بالا بودند، ۷۹ درصد آن‌ها در دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند. میانگین طول مدت ازدواج زوجین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر ۲۲/۵ بود. در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات سبک‌های دل‌بستگی، احساس شرم و گناه، کناره‌گیری عاطفی و

خراب کردن وجهه اجتماعی

میانگین $\pm$ انحراف معیار	کمینه	بیشینه	
سبک دل‌بستگی ایمن	۰	۱۶	$3/45 \pm 9/86$
سبک دل‌بستگی اضطرابی	۰	۱۶	$3/75 \pm 6/61$
سبک دل‌بستگی اجتنابی	۰	۱۶	$3/36 \pm 6/74$
احساس شرم	۶	۳۰	$6/62 \pm 17/87$
احساس گناه	۷	۳۰	$6/46 \pm 19/39$
کناره‌گیری عاطفی	۶	۴۲	$8/48 \pm 22/63$
خراب کردن وجهه اجتماعی	۶	۴۲	$7/33 \pm 21/77$

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات سبک دل‌بستگی ایمن زنان

(۹/۸۶)، سبک دلبستگی اضطرابی (۶/۶۱) و سبک دلبستگی اجتنابی (۶/۷۴) است. همچنین میانگین احساس شرم زنان (۱۷/۸۷) و احساس گناه آن‌ها (۱۹/۳۹) به‌دست آمد. میانگین نمرات کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی به ترتیب (۲۲/۶۳ و ۲۱/۷۷) است. در پژوهش حاضر برای بررسی همبستگی درونی متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: همبستگی درونی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	دلبستگی ایمن	-	-	-	-	-	-
۲	دلبستگی اضطرابی	-۰/۶۲**	-	-	-	-	-
۳	دلبستگی اجتنابی	-۰/۶۳**	-۰/۶۳**	-	-	-	-
۴	احساس شرم	-۰/۴۹**	-۰/۴۵**	-۰/۴۳**	-	-	-
۵	احساس گناه	-۰/۳۵**	-۰/۴۰**	-۰/۴۰**	-۰/۳۹**	-	-
۶	کناره‌گیری عاطفی	-۰/۵۷**	-۰/۳۸**	-۰/۴۸**	-۰/۵۰**	-۰/۳۳**	-
۷	خراب کردن وجه اجتماعی	-۰/۲۲**	-۰/۲۷**	-۰/۳۳**	-۰/۴۷**	-۰/۳۹**	-۰/۳۴**

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که سبک دلبستگی ایمن با سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و همچنین احساس شرم، احساس گناه، کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی رابطه منفی معناداری دارد ($p \leq 0/01$). سبک دلبستگی اضطرابی با سبک دلبستگی اجتنابی، احساس شرم، احساس گناه، کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی رابطه مثبت معناداری دارد ($p \leq 0/01$). سبک دلبستگی اجتنابی نیز با احساس شرم، احساس گناه، کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی رابطه مثبت معناداری دارد ($p \leq 0/01$). احساس شرم با احساس گناه، کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی رابطه مثبت معناداری دارد ($p \leq 0/01$). همچنین احساس گناه با کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی رابطه مثبت معناداری دارد ($p \leq 0/01$). این روابط حاکی از این است که سبک‌های دلبستگی می‌توانند با پرخاشگری ارتباطی پنهان (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی) مرتبط باشند. به‌نظر می‌رسد افزایش سبک دلبستگی ایمن، کاهش کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجه اجتماعی را در پی دارد و افزایش سبک‌های دلبستگی اضطرابی و

اجتنابی، باعث افزایش کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی زنان متأهل می‌شود، اما اینکه آیا سبک‌های دلبستگی صرفاً اثر اصلی بر پرخاشگری ارتباطی پنهان (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی) دارند، یا با میانجی‌گری احساس شرم و گناه با پرخاشگری پنهان ارتباط دارند، در قسمت مدل معادلات ساختاری به آن پرداخته می‌شود. الگوی مفهومی پیشنهادی پژوهش (نمودار ۱) از طریق الگویابی معادله ساختاری بررسی شد. قبل از انجام تحلیل، مفروضه توزیع بهنجار چند متغیری بررسی شد، نتایج بیانگر نرمال بودن توزیع چند متغیره بود ($P > 0/05$). لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر، داده از دست‌رفته‌ای وجود نداشت. از آنجایی که داده‌های ۳۰ نفر از مجموع ۳۵۰ زن متأهل شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، پرت تشخیص داده شد از جریان تحلیل خارج شدند. نتایج حاصل از برازش این الگو در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مربوط به الگوهای مختلف پژوهش

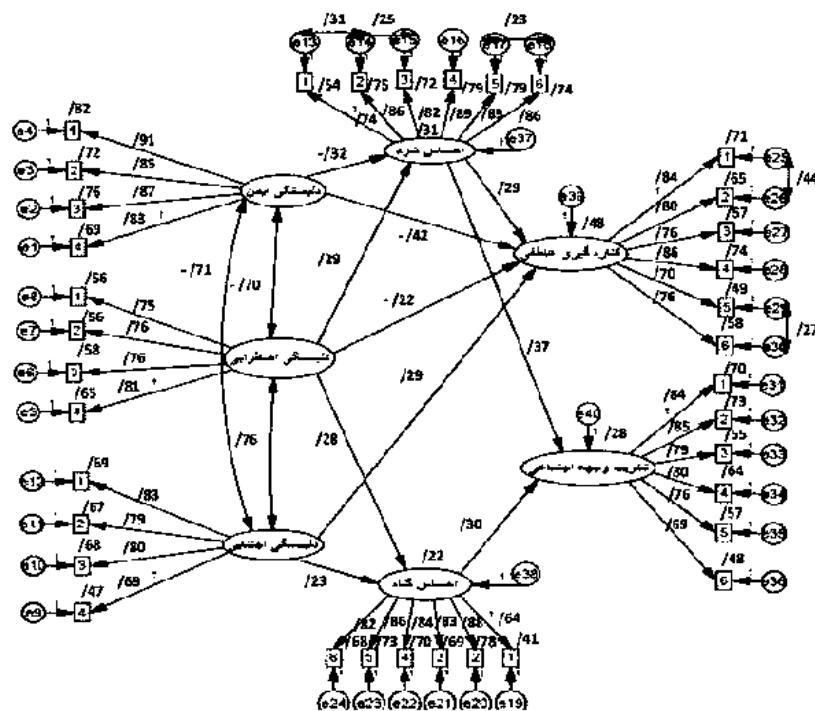
الگو	P	df	X^2	GFI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی پیشنهادی	۰/۰۰۰۱	۵۷۵	۱۳۶۰/۸۸	۰/۸۱	۰/۹۲	۰/۸۶	۰/۰۶

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، شاخص‌های برازش نشان می‌دهند که نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی برابر $1360/88$ ($p = 0/0001$) و معنادار است، با توجه به معناداری مجذور کای، مدل پیشنهادی از برازش خوبی بهره‌مند نیست. از آنجا که مجذور کای نسبت به حجم نمونه و پیچیدگی مدل حساس است، لذا از اندازه‌های برازش جایگزین نیز برای ارزیابی قابل قبول بودن مدل استفاده می‌شود. شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با $0/81$ ، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (CFI) برابر با $0/92$ ، شاخص نیکویی برازش هنجار شده (NFI) برابر با $0/86$ به دست آمده است. لذا با توجه به اینکه میزان همگی این شاخص‌ها کمتر از میزان $0/95$ هستند، مشخص می‌شود که اندازه شاخص‌ها حاکی از فقدان برازش الگوی اندازه‌گیری با الگوی ساختاری پیشنهادی دارد. به همین دلیل با بررسی میزان بار عاملی متغیرهای پیش‌بین، میانجی و ملاک، برخی از مسیرها که بار عاملی معناداری نداشتند از مدل پیشنهادی حذف و مدل مجدد طراحی شد. نتایج حاصل از برازش این الگو در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مربوط به الگوهای مختلف پژوهش

الگو	P	df	X ²	GFI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی پیشنهادی	۰/۰۰۰۱	۵۷۰	۱۱۰۹/۸۸	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۷، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (CFI) برابر با ۰/۹۶، شاخص نیکویی برازش هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۵ به دست آمده است. اندازه شاخص‌های حاصل از بررسی برازش الگوی ساختاری دوم، حاکی از برازش خوب مدل است. تقریب ریشه میانگین مجذور خطا (RMSEA) برابر با ۰/۰۵ به دست آمده است و کمتر از میزان ۰/۰۸ است و این شاخص نیز بیان‌کننده برازش خوب مدل است. نمودار ۲ ضرایب واریانس تبیین شده متغیرهای مربوط به الگوی برازش شده پژوهش را نشان می‌دهند. اعداد روی پیکان‌ها ضرایب بتای استاندارد شده و اعداد روی بیضی‌ها مربوط به واریانس تبیین شده هر یک از متغیرهاست.



نمودار ۲: الگوی نهایی مربوط به رابطه سبک‌های دلبستگی و کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی با میانجی‌گری احساس شرم و گناه در جدول ۵ ضرایب واریانس تبیین شده مدل برازش شده مبنی بر رابطه سبک‌های دلبستگی و کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی با میانجی‌گری احساس شرم و گناه ارائه شده است.

جدول ۵: ضرایب واریانس تبیین شده مدل برازش شده

واریانس تبیین شده (R ²)	سطح معناداری	تأثیرات			میرهای موجود در الگو
		اثرات کل	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	
۰/۳۱	۰/۰۱**	-۰/۳۲	-	-۰/۳۲	دلبستگی ایمن- احساس شرم
	۰/۰۰۵**	۰/۲۹	-	۰/۲۹	دلبستگی اضطرابی- احساس شرم
۰/۲۲	۰/۰۰۴**	۰/۲۸	-	۰/۲۸	دلبستگی اضطرابی- احساس گناه
	۰/۰۳*	۰/۲۳	-	۰/۲۳	دلبستگی اجتنابی- احساس گناه
	۰/۰۰۷**	۰/۳۶	-	۰/۲۹	احساس شرم- کناره‌گیری عاطفی
	۰/۰۰۵**	-۰/۵۱	-۰/۰۹	-۰/۴۲	دلبستگی ایمن- کناره‌گیری عاطفی
۰/۴۸	۰/۰۰۷**	-۰/۳۰	-۰/۰۸	-۰/۲۲	دلبستگی اضطرابی- کناره‌گیری عاطفی
	۰/۰۱**	۰/۲۹	-	۰/۲۹	دلبستگی اجتنابی- کناره‌گیری عاطفی
	۰/۰۰۶**	۰/۳۷	-	۰/۳۷	احساس شرم- خراب کردن وجهه اجتماعی
۰/۲۸	۰/۰۱*	۰/۳۰	-	۰/۳۰	احساس گناه- خراب کردن وجهه اجتماعی
	۰/۰۰۶**	-۰/۱۲	-۰/۱۲	-	دلبستگی ایمن- خراب کردن وجهه اجتماعی
	۰/۰۰۷**	۰/۱۹	۰/۱۹	-	دلبستگی اضطرابی- خراب کردن وجهه اجتماعی
	۰/۰۲*	۰/۰۷	۰/۰۷	-	دلبستگی اجتنابی- خراب کردن وجهه اجتماعی

نتایج جدول ۵ نشان داد که از بین سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی با احساس شرم ارتباط مثبت معناداری دارند ($p \leq ۰/۰۱$) و ۳۱ درصد از واریانس‌های احساس شرم بر اساس این سبک‌ها تبیین شده است. همچنین سبک دلبستگی اضطرابی در سطح ($p \leq ۰/۰۱$) و اجتنابی در سطح ($p \leq ۰/۰۵$) با احساس گناه رابطه مثبت معناداری دارند و توانسته‌اند ۲۲ درصد از واریانس‌های احساس گناه را در زنان تبیین کنند. احساس شرم با کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی رابطه مثبت معناداری دارد ($p \leq ۰/۰۱$)، احساس گناه نیز با خراب کردن وجهه اجتماعی رابطه مثبت معناداری دارد ($p \leq ۰/۰۱$)، دلبستگی ایمن و اضطرابی

با کناره‌گیری عاطفی هم رابطه منفی مستقیم و هم رابطه منفی غیرمستقیم معناداری دارند ($p \leq 0/01$)، درحالی‌که دل‌بستگی اجتنابی با کناره‌گیری عاطفی تنها رابطه مثبت مستقیم معناداری دارد ($p \leq 0/01$). بین دل‌بستگی ایمن و خراب کردن وجهه اجتماعی نیز رابطه منفی غیرمستقیم معناداری به‌دست آمد ($p \leq 0/01$). همچنین بین دل‌بستگی اضطرابی در سطح ($p \leq 0/01$) و اجتنابی در سطح ($p \leq 0/05$) با خراب کردن وجهه اجتماعی رابطه مثبت غیرمستقیم معناداری به‌دست آمد؛ بنابراین، به‌طورکلی، در رابطه سبک دل‌بستگی ایمن و اضطرابی با کناره‌گیری عاطفی، تنها احساس شرم توانست نقش میانجی معناداری داشته باشد ($p \leq 0/01$)، اما همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، احساس شرم و گناه در رابطه هر سه سبک دل‌بستگی با خراب کردن وجهه اجتماعی نقش میانجی معناداری دارند ($p \leq 0/01$). به‌طورکلی ۴۸ درصد از واریانس‌های کناره‌گیری عاطفی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اضطرابی، اجتنابی و احساس شرم پیش‌بینی شده است. همچنین ۲۸ درصد از واریانس‌های خراب کردن وجهه اجتماعی بر اساس احساس شرم و گناه به‌طور مستقیم و بر اساس سبک‌های دل‌بستگی، به‌صورت غیرمستقیم پیش‌بینی شد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ساختار رابطه سبک‌های دل‌بستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی) با میانجی‌گری احساس شرم و گناه انجام شد. نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک‌های دل‌بستگی با احساس شرم و گناه و همچنین سازه‌های پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی) رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین احساس شرم و گناه با کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی ارتباط مثبت معناداری مشاهده شد، اما در بررسی مدل مفهومی پژوهش حاضر، نتایج نشان داد که از بین سبک‌های دل‌بستگی، سبک دل‌بستگی ایمن و اضطرابی ارتباط معناداری با احساس شرم و سبک دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی رابطه معناداری با احساس گناه دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های گروس و هانسن (۲۰۰۰)، توماس تولیتینو (۲۰۱۰)، موریس و همکاران (۲۰۱۴) هم‌سو است. این تحقیقات نشان دادند که سبک‌های دل‌بستگی نایمن با شکل‌گیری احساس شرم و گناه در افراد،

رابطه معناداری دارد. مثلاً، موریس و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، سطوح بالاتری از شرم و انواع ناسازگارانه گناه را نشان دادند.

اما رابطه نداشتن دلبستگی اجتنابی و احساس شرم در مدل مفهومی پژوهش حاضر با نتیجه تحقیق کلیفورد (۲۰۱۳) همسو نیست. علت همسو نبودن این نتایج، این است که کلیفورد (۲۰۱۳) در نتایج تحقیق خود درباره رابطه دلبستگی اجتنابی و احساس شرم، شاخص همبستگی پیرسون را ملاک قرار داده است. همان‌طور که گفته شد در تحقیق حاضر نیز، نتایج همبستگی پیرسون، حاکی از وجود رابطه معنادار بین سبک دلبستگی اجتنابی و احساس شرم است، اما به دلیل ترکیب وزنی که در مدل معادلات ساختاری برقرار می‌شود، وجود همبستگی درون متغیری بین سبک‌های دلبستگی و بالا بودن رابطه سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی با احساس شرم و گناه نسبت به سبک‌های دلبستگی اجتنابی، باعث شده است که در رابطه با احساس شرم و گناه، معنادارتر باشند.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که شرم و گناه نیز مانند دلبستگی، یک مدل فعال درونی است که تحت تأثیر جو خانوادگی فرد در اوایل کودکی بوده و اغلب در نتیجه بدرفتاری و تربیت غلط در دوران کودکی، توسعه می‌یابد (فینکلر، براون، ۱۹۸۶، به نقل از کلیفورد، ۲۰۱۳؛ فرینگ و تاسکا، ۲۰۰۵). بالبی^۱ (۱۹۷۳) صریحاً و به‌وضوح شرم را کانون توجه خود قرار نداده است، اما نظریه وی به میزان زیادی بر ارتباط میان شرم و دلبستگی دلالت دارد، درجایی که او مطرح می‌کند مدل‌های فعال خود، مکمل آشکال دلبستگی هستند. کودکی که توسط والدین خود با او به‌صورت فردی نخواستنی و اضافی رفتار شود، احتمالاً نه تنها حس نخواستنی بودن را از سوی والدینش دریافت می‌کند؛ بلکه باور می‌کند که ذاتاً نخواستنی بوده و توسط هر فرد دیگری در ذهنش به‌صورت موجود اضافی، برچسب می‌خورد (بالبی، ۱۹۷۳، ص ۲۳۸). برخی از محققان، شرم را به‌عنوان عاطفه دلبستگی یا عاطفه بین فردی تلقی و به آن توجه کرده‌اند و معتقدند زمانی رخ می‌دهد که پیوند ارتباطی، مختل شده و از هم گسیخته شود. به‌طورکلی توجه مثبت و منفی به خود که در شکل‌گیری دلبستگی ایمن و ناایمن اضطرابی نقش مؤثری دارد

1. Bowlby

(گروس و هانسن، ۲۰۰۰)، می‌تواند خود سرزنشی دردناک، احساس بی‌ارزش کردن (مایلز^۱، ۲۰۰۵) را در افراد دارای احساس شرم، تبیین کند.

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه افراد دارای دلبستگی ایمن، دیدگاه مثبتی به خود و دیگران دارند، از میزان اضطراب کم‌تری بهره‌مند هستند، منطقی است که گفته شود، آشفتگی‌های کم‌تری را تجربه می‌کنند و کم‌تر خود را سرزنش می‌کنند، اما با توجه به خصوصیات درونی افراد دارای دلبستگی اضطرابی و فرد مستعد شرم ناسالم، می‌توان گفت که افراد وقتی نسبت به خود، دیدگاه منفی و نسبت به دیگران دیدگاه مثبتی داشته باشند، سعی بر این دارند که دیگران را از خوددرازی نگه دارند و ارتباط مداومی را برقرار کنند، اضطرابی که در پی این وضعیت ایجاد می‌شود، به وابستگی آن‌ها به دیگران می‌افزاید و در نتیجه در برخورد با وضعیت‌های بحرانی، خود را مقصر دانسته و مدام به سرزنش خود دست می‌زنند و به نظر می‌رسد تحت چنین شرایطی احساس شرم و گناه و خود تنبیهی ایجاد شود که به‌صورت پنهان باعث می‌شود فرد بیشتر به دیگران وابسته شود.

نتایج حاصل از بررسی ارتباط مستقیم سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی) نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی ارتباط منفی و سبک دلبستگی اجتنابی ارتباط مثبتی را با کناره‌گیری عاطفی دارند. یافته‌های مختلفی به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ارتکاب به خشونت و پرخاشگری پرداخته‌اند (مثلاً، هندرسون و همکاران؛ ۲۰۰۵؛ بوک والا، ۲۰۰۲، اوکا، ساندبرگ، بردفورد، براون، ۲۰۱۴) که اکثر آن‌ها حاکی از ارتباط بین نایمنی در دلبستگی و روی آوردن به انواع پرخاشگری بوده است. لیندر و همکاران (۲۰۰۲) دریافتند که پرخاشگری ارتباطی با فقدان ویژگی‌های ارتباطی مثبت همچون احساس امنیت و اعتماد که دو مؤلفه اساسی در دلبستگی هستند و پیامدهای منفی همچون بی‌اعتمادی، حسادت، ناکامی و ادراک منفی از کیفیت رابطه، در قربانی پرخاشگری و کسی که آن را مرتکب شده، همراه است. داتون و وایت^۲ (۲۰۱۲)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دلبستگی نایمن، احتمال

1. Mills

2. Dutton & White

پرخاشگری را در روابط صمیمانه افزایش می‌دهد. اویی، آنگ، فونگ، وونگ و چای^۱ (۲۰۰۶)، نیز در تحقیق خود نشان دادند که میان سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج مطالعه بارت، تیلور، ورثینگتون و فورسیث^۲ (۲۰۰۷) نیز حاکی از این بود که ارتباط نبخشیدن و دلبستگی ناایمن می‌تواند به وسیله نشخوارهای ذهنی خشونت‌آمیز تعدیل شود. کلیفورد (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود نشان داد که زوجینی که رفتار پرخاشگرانه در رابطه با همسر خود دارند، از دلبستگی ناایمن بهره‌مند هستند.

میکولینسر و همکاران (۲۰۰۱) دریافتند، سبک‌های دلبستگی با استراتژی‌های مختلف مقابله با مشکلات در بزرگسالی، از جمله در روابط زوجین، مرتبط است. افراد با سبک دلبستگی ایمن، راهبردهای سازنده‌تری را استفاده می‌کنند و به‌منظور پیدا کردن راه‌حلی برای مشکلات خود بیشتر تلاش می‌کنند آن‌ها همچنین در اغلب موارد از خود سازش نشان داده، بیشتر نگران شریک زندگی خود هستند و از استراتژی‌های یکپارچه‌تر و خودمحورتر (به خود متکی) استفاده می‌کنند (لوی و داویس^۳، ۱۹۹۸)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد، کمتر احتمال دارد که یک فرد بزرگسال با سبک دلبستگی ایمن به کناره‌گیری عاطفی و تخریب وجهه اجتماعی همسر خود برای حل یک معضل اقدام کند.

از سوی دیگر بزرگسالان مضطرب، با هر وضعیتی که برای همدلی و تفاهم با دیگران و پاسخ به موقعیت‌های احساسی همراه با نگرانی و ناامیدی فراخوان شوند، آشفته و نگران می‌شوند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۱). هنگامی که با مشکلی مواجه شوند، بیشتر متوسل به استراتژی‌هایی می‌شوند که هم طرف مقابلشان را ملزم کرده و هم از درگیری به‌منظور حفظ رابطه خود با دیگران جلوگیری می‌کنند. افراد مضطرب، معمولاً درک منفی بسیار بالایی از دیدن درگیری داشته و آن را به‌عنوان عامل مضر و مخرب برای روابط خود در نظر می‌گیرند؛ بنابراین، افراد مضطرب که از ترس رها گشته‌اند اغلب موفق به مقابله با مشکلات به‌طور مستقیم می‌شوند. محققان معتقد هستند، افرادی که با مشکلات به‌طور مستقیم مبارزه می‌کنند، به

1. Ooi, Ang, Fung, Wong & Cai

2. Burnette, Taylor, Worthington & Forsyth

3. Levy & Davis

حداقل شکل مستقیم از دست‌کاری رابطه کشیده شده‌اند که همان تخریب وجهه اجتماعی است (بن‌آری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹).

بزرگسالان با دل‌بستگی اجتنابی از ابراز عاطفی جلوگیری کرده و از استراتژی پیچیده‌تر ایجاد فاصله‌گیری برای جلوگیری از هر موقعیتی، استفاده می‌کنند که ممکن است تبدیل به صمیمیت شود (همان منبع). فقدان مشارکت آن‌ها ناشی از گرایش آن‌ها به دیدن دیگران به عنوان افرادی فاقد اعتماد است (شیور و میکولینسر، ۲۰۰۶). افراد اجتنابی به‌طور کلی یک درک منفی از مشکلات دارند، احتمالاً به دلیل آنکه می‌ترسند در درگیری به آن‌ها آسیب برسد و نقص‌های آن‌ها بیشتر مطرح شوند لذا از روابط کناره‌گیری می‌کنند. همچنین این دسته از افراد، هنگامی که با مشکلی مواجه می‌شوند، درباره حمایت دیگران تردید داشته (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۹) و بیشتر احتمال دارد به استراتژی‌های سلطه‌گرانه توسل جویند (بن‌آری و هیرشبرگ^۱، ۲۰۰۹).

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که از بین احساس شرم و گناه، احساس شرم با هر دو سازه پرخاشگری ارتباطی پنهان، رابطه مثبتی دارد و احساس گناه فقط با خراب کردن وجهه اجتماعی ارتباط معنادار مثبت دارد.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، رفتارهای اجتنابی مرد در تعامل با شرم زن، به افزایش شرم خشونت منجر شود که به زن این ایده را می‌دهد که هیچ‌کس عاشق او نیست زیرا او ناقص است. سپس زن برای تنبیه مردش، از کناره‌گیری عاطفی استفاده می‌کند. البته به نظر می‌رسد، این نتیجه می‌تواند در شرایطی اتفاق بیفتد که دل‌بستگی غالب زن از نوع دل‌بستگی اجتنابی باشد که در شرایط این‌چنینی به کناره‌گیری عاطفی دست بزنند. آبرامز^۲ (۲۰۰۹) معتقد است یک فرد هنگامی که فکر می‌کند دیگران درباره من چه حسی دارند شروع به فرافکنی بر دیگران می‌کند. به این معنا که یک زن یا مردی که در کنار دوستان و آشنایان احساس بدی دارد شروع به فرافکنی احساسات بد خود نسبت به همسرش می‌کند، همسری که در حال حاضر حضور نداشته و نمی‌تواند از خود دفاع کند. در کل به نظر می‌رسد زوجین دارای

1. Ben-Ari & Hirshberg

2. Abrams

احساس شرم بالا از کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی به صورت یک مکانیزم دفاعی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، احساس گناه باعث می‌شود عملکرد فرد در محیط با اضطراب و ترس همراه شود و او نتواند خود را با محیط‌های مختلف به‌خوبی سازگار کند (اگان، وید و شرفان^۱، ۲۰۱۱). به همین دلیل، از محیط‌گریزان می‌شود و به دلیل نشخوارهای فکری که دارد، ممکن است به تخریب وجهه اجتماعی همسر خود دست بزنند.

نتایج حاصل از بررسی نقش میانجی احساس شرم و گناه در رابطه سبک‌های دلبستگی با پرخاشگری ارتباطی پنهان (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی) نشان داد که احساس شرم زنان در رابطه سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی آن‌ها با کناره‌گیری عاطفی‌شان نقش میانجی معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد که احساس شرم و گناه در رابطه سبک‌های دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی با تخریب وجهه اجتماعی به‌عنوان متغیرهای میانجی معنادار، عمل کنند. به نظر می‌رسد که زنان با سبک دلبستگی ایمن به دلیل دیدگاه مثبت به خود و دیگران، کمتر دچار احساس شرم و گناه شوند و از کناره‌گیری عاطفی و تخریب وجهه اجتماعی نیز کمتر استفاده کنند. با توجه به رابطه مثبت دلبستگی اضطرابی با احساس شرم و رابطه منفی آن با کناره‌گیری عاطفی، به نظر می‌رسد که شرم، احساس منفی را که فرد دارای دلبستگی اضطرابی به خود دارد افزایش می‌دهد و به دنبال آن، ترس از دست دادن محبت همسر، بیشتر تجربه می‌شود و این ترس باعث کاهش هر چه بیشتر کناره‌گیری عاطفی فرد از همسر خود می‌شود. همان‌طور که گفته شد، افراد مضطرب، با هر وضعیتی که برای همدلی و تفاهم با دیگران و پاسخ به موقعیت‌های احساسی همراه با نگرانی و ناامیدی فراخوانده شوند، آشفته و نگران می‌شوند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۱). ولی زمانی که احساس گناه فرد دارای دلبستگی اضطرابی در کنار احساس شرم او افزایش پیدا کند، به نظر می‌رسد که باعث تخریب کردن وجهه اجتماعی همسر شود. پنهان کردن خشم و فقدان کناره‌گیری عاطفی که زوجین دارای سبک دلبستگی اضطرابی، در شرایط تنش‌زا دارند، به نظر می‌رسد به این دلیل باشد که نمی‌خواهند همسرشان آن‌ها را ترک گوید. این خشم در کنار خود سرزنشی و احساس بی‌ارزشی کردن و همچنین احساس گناه از اشتباهاتی که داشته‌اند،

1. Egan, Wade & Sharfan

باعث می‌شود که برای تخلیه هیجان خشم خود، راه تخریب کردن وجهه اجتماعی همسرشان را انتخاب کنند.

همچنین، همان‌طور که گفته شد، افراد اجتنابی به‌طور کلی درک منفی از مشکلات دارند، احتمالاً به سبب آنکه می‌ترسند در درگیری به آن‌ها آسیب برسد و یا نقص‌هایشان بیشتر مطرح شوند لذا از روابط کناره‌گیری می‌کنند (بن‌آری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹)؛ و به دلیل اینکه این دسته افراد دیدگاه منفی نسبت به دیگران دارند، در شرایطی که احساس گناه درباره آن‌ها اتفاق بیفتد، دچار نوعی خشم پنهان می‌شوند و به نظر می‌رسد که هیجان خشم آن‌ها از طریق خراب کردن وجهه اجتماعی دیگران، بروز پیدا کند.

به‌طور کلی نتایج نشان داد که رابطه سبک‌های دلبستگی با پرخاشگری ارتباطی پنهان در زنان، با میانجی‌گری احساس شرم و گناه باشد. این نتیجه درباره رابطه سبک‌های دلبستگی با خراب کردن وجهه اجتماعی بیشتر نمود دارد. یکی از محدودیت‌های این پژوهش مربوط به اندازه‌گیری پرخاشگری توسط شریک زندگی، به‌جای مشاهده میدانی و خودگزارشی بود. این امر ممکن است سطح واقعی پرخاشگری را در زوجین نشان ندهد. محدودیت دیگر در خصوص تعمیم دادن یافته‌های این پژوهش آن است که نمونه‌های این پژوهش شامل زنانی بودند که در سال‌های قبل ازدواج کرده بودند. به نظر می‌رسد در تعمیم نتایج به سایر زنان متأهل باید احتیاط کرد؛ اینکه آیا می‌توان نتایج این پژوهش را به زنانی که در بازه‌های زمانی مختلفی نسبت به نمونه‌های این پژوهش ازدواج کرده‌اند، تعمیم داد؟ همچنین نمونه‌های این مطالعه ساکنین شهر بیرجند بودند که ممکن است به دیگر مناطق نشود تعمیم داد. بسیاری از این محدودیت‌ها می‌تواند در پژوهش‌های آتی با نمونه‌گیری‌های متنوع مرتفع شود. از دست‌آوردهای دیگر برای پژوهش‌های آتی، این امر است که چه سطحی از پرخاشگری ارتباطی پنهان میان زوجین، می‌تواند مشکل‌ساز باشد. در پایان از کلیه زوج‌های شرکت‌کننده در این پژوهش، تشکر و قدردانی می‌شود.

- منابع امانی، احمد، ثنایی ذاکر، باقر، نظری، علی محمد و نامداری پژمان، مهدی (۱۳۹۰). اثربخشی دو رویکرد طرح‌واره درمانی و دل‌بستگی درمانی بر سبک‌های دل‌بستگی در دانشجویان مرحله عقد. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۲): ۱۹۱-۱۷۱.
- انوشه‌ای، م.؛ پورشهریاری، م.س.؛ ثنایی ذاکر، ب. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین ادراک دختران از الگوهای تربیتی والدین‌شان با احساس شرم و گناه در آن‌ها: تازمه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۷، شماره ۴۵: ۲۷-۶۰.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دل‌بستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- تفرشی، مدیا، امیری مجد، مجتبی، جعفری، اصغر (۱۳۹۲). تأثیر آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش خشونت خانوادگی و بهبود رضایت زناشویی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲(۳۵): ۳۱۰-۲۹۹.
- خانجانی، زینب و ظفرقلی زاده، نسیم (۱۳۸۸). رابطه بین برخاشگری و رضایت زناشویی در کارمندان متأهل بانک‌های دولتی شهر ارومیه. *زن و مطالعات خانواده*، ۲(۵): ۶۶-۴۱.
- زارعی، س.، فرح‌بخش، ک و اسماعیلی، م (۱۳۹۰). تعیین سهم خودمتمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۳ (۴۵): ۶۴-۵۱.

- Abrams, J. (2009). What's Reality Got to Do with It? Projective Processes in Adult Intimate Relationships. *Psychoanalytic Social Work*, 16(2): 126-138.
- Akbag, M., & Imamoglu, S. E. (2010). The Prediction of Gender and Attachment Styles on Shame, Guilt, and Loneliness. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 10(2): 669-682.
- Amani, A., Sanaei Zaker, B., Nazari, A. M., Namdari Pejman, M., (2011). Comparison of the Effectiveness of Schema Therapy and Attachment Therapy on Attachment Styles in Contractually Engaged Students. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, 1(2): 171-191.
- Anooshaei, M., Poorshahriari, M. S., Sanaei Zaker, B., (2006). Investigate The Relationship Between Girls' Perceptions of Parents' Upbringing Patterns With a Sense of Shame and Guilt. *Counseling Research*, 7(45): 27-60.
- Bélanger, C. Mathieu, C. Dugal, C. & Courchesne, C. (2015). The impact of attachment on intimate partner violence perpetrated by women. *The American Journal of Family Therapy*, 43(5): 441-453.
- Ben-Ari, R., & Hirshberg, I. (2009). Attachment styles, conflict perception, and adolescents' strategies of coping with interpersonal conflict. *Negotiation Journal*,

25(1): 59-82.

- Blažock, D. V., Franzese, A. T., Machell, K. A., & Strauman, T. J. (2015). Attachment style and self-regulation: How our patterns in relationships reflect broader motivational styles. *Personality and Individual Differences*, 87, 90-98.
- Bookwala, J., & Zdaniuk, B. (1998). Adult attachment styles and aggressive behavior within dating relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15(2): 175-190.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss 2. Separation, anxiety and anger*. Basic Books, New York.
- Burnette, J. L., Taylor, K. W., Worthington, E. L., & Forsyth, D. R. (2007). Attachment and trait forgiveness: The mediating role of angry rumination. *Personality and Individual Differences*, 42(8): 1585-1596.
- Carlson, E. A., & Sroufe, L. A. (1995). Contribution of attachment theory to developmental psychopathology. (pp. 581-617). New York: Cambridge University Press.
- Carroll, J. S., Nelson, D. A., Yorgason, J. B., Harper, J. M., Ashton, R. H. & Jensen, A. C. (2010). Relational aggression in marriage. *Aggressive Behavior*, 36(5): 315-329.
- Charania, M. R., & Ickes, W. (2007). Predicting marital satisfaction: Social absorption and individuation versus attachment anxiety and avoidance. *Personal Relationships*, 14(2): 187-208.
- Chung, K., & Choi, E. (2014). Attachment styles and mother's well-being among mothers of preschool children in Korea: The mediating role of marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 69, 135-139.
- Clifford, C. E. (2013). Attachment and Covert Relational Aggression in Marriage with Shame as a Potential Moderating Variable: A Two Wave Panel Study.
- Consedine, N. S., & Magai, C. (2003). Attachment and emotion experience in later life: The view from emotions theory. *Attachment & human development*, 5(2): 165-187.
- Covert, M. V. (2004). Moderators of the effects of experimentally induced shame on indirect aggression.
- Cramer, C. M. (2015). Relational Aggression/Victimization and Depression in Married Couples.
- Curtis, D. S., Epstein, N. B., & Wheeler, B. (2015). Relationship Satisfaction Mediates the Link Between Partner Aggression and Relationship Dissolution The Importance of Considering Severity. *Journal of interpersonal violence*, 0886260515588524.
- Doumas, D. M., Pearson, C. L., Elgin, J. E., & McKinley, L. L. (2008). Adult Attachment as a Risk Factor for Intimate Partner Violence The "Mismatching" of Partners' Attachment Styles. *Journal of interpersonal violence*, 23(5):616-634.
- Dutton, D. G., Saunders, K., Starzomski, A., & Bartholomew, K. (1994). Intimacy-Anger and Insecure Attachment as Precursors of Abuse in Intimate Relationships I. *Journal of Applied Social Psychology*, 24(15): 1367-1386.
- Dutton, D. G., & White, K. R. (2012). Attachment insecurity and intimate partner violence. *Aggression and violent behavior*, 17(5): 475-481.
- Egan, S. J., Wade, T. D., & Shafran, R. (2011). Perfectionism as a transdiagnostic process: A clinical review. *Clinical psychology review*, 31(2): 203-212.
- Ellingsen, T., Johannesson, M., Tjøtta, S., & Torsvik, G. (2010). Testing guilt aversion. *Games and Economic Behavior*, 68(1): 95-107.
- Feiring, C., & Taska, L. S. (2005). The persistence of shame following sexual abuse: A longitudinal look at risk and recovery. *Child Maltreatment*, 10(4): 337-349.

- Frankel, L. A., Umemura, T., Jacobvitz, D., & Hazen, N. (2015). Marital conflict and parental responses to infant negative emotions: relations with toddler emotional regulation. *Infant Behavior and Development*, 40, 73-83.
- Ganji, A. A., & Navabinezhad, D. (2012). The Relationship between Locus of Control and Marital Satisfaction of Couples. *Life Science Journal*, 9(4): 294-298.
- Goldstein, S. E., Chesir-Teran, D., & McFaul, A. (2008). Profiles and correlates of relational aggression in young adults' romantic relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, 37(3): 251-265.
- Gross, C. A., & Hansen, N. (2000). Clarifying the experience of shame: The role of attachment style, gender, and investment in relatedness. *Personality and Individual Differences*, 28(5): 897-907.
- Hair, J. F. (2009). Multivariate data analysis.
- Hammock, G. S. (1999). *Aggressive responses in dating couples: A potential model*. Paper presented at the Paper presented at the Nags Head Conference, Aggression, Conflict, & Coercive Interactions, Boca Raton, Florida.
- Harper, J. M. (2011). *Regulating and coping with shame*. Re-constructing emotional spaces: From experience to regulation, 189-206.
- Harper, J. M., & Hoopes, M. H. (1990). Uncovering shame: An approach integrating individuals and their family systems: WW Norton & Co.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(3): 511.
- Heyman, R. E., & Slep, A. M. S. (2002). Do child abuse and interparental violence lead to adulthood family violence? *Journal of Marriage and Family*, 64(4): 864-870.
- Jong, C. (2005). *Shame And Guilt Among Asian Americans*. Argosy University, Honolulu, Hawaii.
- Kesner, J. E., & McKenry, P. C. (1998). The role of childhood attachment factors in predicting male violence toward female intimates. *Journal of Family Violence*, 13(4): 417-432.
- Kidd, T., Poole, L., Ronaldson, A., Leigh, E., Jahangiri, M., & Steptoe, A. (2016). Attachment anxiety predicts depression and anxiety symptoms following coronary artery bypass graft surgery. *British journal of health psychology*.
- Khanjani, Z., Zafargholi Zadeh, N., (2009). The Relationship Between Aggression and Marital Satisfaction in Married Staff Members of Urmia Banks. *Journal of Woman & Study of Family*. 2(5): 41-66.
- Kiecolt-Glaser, J. K., Bane, C., Glaser, R., & Malarkey, W. B. (2003). Love, marriage, and divorce: newlyweds' stress hormones foreshadow relationship changes. *Journal of consulting and clinical psychology*, 71(1): 176.
- Kokolvand, M., & Hasanvand, N. Z. (2015). The relationship between attachment styles and marital adjustment in teacher couples incity of Khorramabad. *Technical Journal of Engineering and Applied Sciences*, 5(s): 451-455.
- Lawrence, E., & Bradbury, T. N. (2001). Physical aggression and marital dysfunction: a longitudinal analysis. *Journal of family psychology*, 15(1), 135.
- Leary, M. R. (2015). Emotional responses to interpersonal rejection. *Dialogues in clinical neuroscience*, 17(4): 435.
- Lee, M., Reese-Weber, M., & Kahn, J. H. (2013). Exposure to family violence and attachment styles as predictors of dating violence perpetration among men and women: A mediational model. *Journal of interpersonal violence*, 0886260513504644.

- Levy, M. B., & Davis, K. E. (1988). Lovestyles and attachment styles compared: Their relations to each other and to various relationship characteristics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 5(4), 439-471.
- Linder, J. R., Crick, N. R., & Collins, W. A. (2002). Relational aggression and victimization in young adults' romantic relationships: Associations with perceptions of parent, peer, and romantic relationship quality. *Social Development*, 11(1): 69-86.
- Lopez, F. G. (1997). Student-professor relationship styles, childhood attachment bonds and current academic orientations. *Journal of Social and Personal Relationships*, 14(2), 271-282.
- Madsen, C. A. (2012). *The impact of marital power on relational aggression*. Kansas State University.
- Meng, K. N. (2013). Couple Implicit Rules for Facilitating Disclosure and Relationship Quality with Romantic Relational Aggression as a Mediator.
- Meng, X., D'Arcy, C., & Adams, G. C. (2015). Associations between adult attachment style and mental health care utilization: Findings from a large-scale national survey. *Psychiatry research*, 229(1):454-461.
- Mikulincer, M., Gillath, O., Halevy, V., Avihou, N., Avidan, S., & Eshkoli, N. (2001). Attachment theory and reactions to others' needs: Evidence that activation of the sense of attachment security promotes empathic responses. *Journal of personality and social psychology*, 81(6), 1205.
- Mills, R. S. (2005). Taking stock of the developmental literature on shame. *Developmental Review*, 25(1), 26-63.
- Muris, P., Meesters, C., Cima, M., Verhagen, M., Brochard, N., Sanders, A. Meesters, V. (2014). Bound to feel bad about oneself: Relations between attachment and the self-conscious emotions of guilt and shame in children and adolescents. *Journal of Child and Family Studies*, 23(7): 1278-1288.
- Ooi, Y. P., Ang, R. P., Fung, D. S., Wong, G., & Cai, Y. (2006). The impact of parent-child attachment on aggression, social stress and self-esteem. *School Psychology International*, 27(5), 552-566.
- Pakdaman, Sh., (2002). *The Relationship Between Attachment and Community In teenager*, psychology Doctoral Thesis, Tehran University.
- Pistole, M. C. (1989). Attachment in adult romantic relationships: Style of conflict resolution and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6(4), 505-510.
- Quijada, Y., Kwapii, T. R., Tizón, J., Sheinbaum, T., & Barrantes-Vidal, N. (2015). Impact of attachment style on the 1-year outcome of persons with an at-risk mental state for psychosis. *Psychiatry research*, 228(3), 849-856.
- Ratip, D. E. (2013). *The role of attachment in violent offending and violence in institutions*. University of Birmingham.
- Renshaw, K. D., Blais, R. K., & Smith, T. W. (2010). Components of negative affectivity and marital satisfaction: The importance of actor and partner anger. *Journal of Research in Personality*, 44(3): 328-334.
- Rosenberg, D. M. (1985). *The quality and content of preschool fantasy play: Correlates in concurrent social-personality function and early mother-child attachment relationships*. Unpublished doctoral dissertation, University of Minnesota.
- Sharir, S. L. (1996). *The relationship between attachment style and conflict resolution style among married couples*: Publisher not identified.
- Srivastava, S., & Beer, J. S. (2005). How self-evaluations relate to being liked by others:

- integrating sociometer and attachment perspectives. *Journal of personality and social psychology*, 89(6), 966.
- Tafreshi, M., Amiri Majd, M. & Jafari, A., (2013). The Effectiveness of Anger Management Skills Training on Reduction Family Violence and Recovery Marital Satisfaction. *Family Research*. 2(35): 299-310.
- Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2003). Shame and guilt: Guilford Press.
- Tangney, J. P., Wagner, P., Fletcher, C., & Gramzow, R. (1992). Shamed into anger? The relation of shame and guilt to anger and self-reported aggression. *Journal of personality and social psychology*, 62(4), 669.
- Taniguchi, S. T., Freeman, P. A., Taylor, S., & Malcarne, B. (2006). A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. *The Journal of Experiential Education*, 28(3), 253.
- Taube-Schiff, M., Van Exan, J., Tanaka, R., Wnuk, S., Hawa, R., & Sockalingam, S. (2015). Attachment style and emotional eating in bariatric surgery candidates: The mediating role of difficulties in emotion regulation. *Eating behaviors*, 18, 36-40.
- Tomas-Tolentino, G. H. (2010). The Relationship Among Adult Attachment Styles, Shame, Dissociation, and Abuse Characteristics in Women Survivors of Intrafamilial Child Sexual Abuse Perpetrated by a Parental-Figure.
- Zarei, S., Farahbakhsh, K., Esmaeili, M., (2011). The Determination of the Share of Self-Differentiation, Trust, *Shame and Guilt in the Prediction of Marital Adjustment*. 3 (45) :51-64.
- Zhao, W., Young, R. E., Breslow, L., Michel, N. M., Flett, G. L., & Goldberg, J. O. (2015). Attachment style, relationship factors, and mental health stigma among adolescents. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 47(4), 263.

Prediction of Covert Relational Aggression (social sabotage and love withdrawal) Based on Attachment Styles in Married Women in Birjand, With Shame & Guilt as Mediator Variables

Sameneh Khazai*, Shkooch NavabiNejad**, Valialah Farzad*** & Kianoosh ZahraKar****

Abstract

Objective: This study aims at investigating the mediator role of conscious emotions (shame and guilt) of women in the relationship between attachment styles and covert relational aggression. **Methods:** This study is a correlation study of structural equation modeling. The population is comprised of married women in Birjand. A sample of 350 married women participated in the study through available subjects sampling method. Data collection included Collins and Read (1990) questionnaires of attachment styles, Tangney self-conscious emotions scale (shame and guilt), Wagner and Gomez (1989) and Carole & Nelson (2006) covert relational aggression Questionnaire. Pearson Correlation Coefficient and structural equation model (SEM) was used in order to analyze the data. **Results:** Results showed that there are significant relationships between variables ($01 / 0 \geq P$). **Conclusion:** In general, the results showed that the relationship between attachment styles associated with covert relational aggression in women was mediated by feelings of shame and guilt. The conclusion about the relationship between attachment styles & social sabotage was more noticeable.

Key words: Feelings of Shame and Guilt, Attachment Styles, Love Withdrawal, Social Sabotage

* Ph.D. Student Advisor, Kharazmi University, Tehran, Iran

** Professor at Kharazmi University, Tehran, Iran

*** Professor at Kharazmi University, Tehran, Iran

**** Assistant Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran

DOI: 10.22051/jwfs.2017.10650.1176

Submit Date: 2016-07-03

Accept Date: 2017-04-12